

اعتراضات مخالفان در خارج کشور

محدودیت آن و تأثیرش

این روزها به مناسبت سفر خاتمی به آلمان و سالروز حمله به کوی دانشگاه و نیز به مناسبت های فراوان دیگر، اعتراضاتی گوناگون همراه با افشاگری ها و آکسیون های متعدد از سوی تبعیدیان و کلاً مخالفان رژیم جمهوری اسلامی، در خارج از کشور انجام می شود، گاه گسترده و سراسری و گاه موضعی. هرکدام از آن ها، کوچک یا بزرگ، تا آنجا که در راه تحقق و استیفای آزادی ها و حقوق دمکراتیک مردم عموماً و زحمتکشان خصوصاً سیر می کند، خوب است و باید مورد استقبال قرار گیرد. اما گاه از این آکسیون ها انتظاراتی می رود که از چارچوب توانایی آن ها فراتر است. ابتدا نگاهی به دو ویژگی مهم این گونه اقدامات می اندازیم:

۱- محدودیت اعتراضات:

تجربه جنبش های مبارزاتی تبعیدیان در ارتباط با کلیه رژیم های ضد مردمی، از جمله ایران، نشان می دهد که این جنبش ها حتی بزرگترین و گسترده ترین شان (مانند مقاومت مسلحانه فلسطینی ها، جنبش ضد تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی، جنبش ضد رژیم پینوشه در شیلی، یا حکومت سرهنگان در یونان، یا رژیم صدام حسین در عراق، و خمینی در ایران ...) تا زمانی که وضع در داخل کشور به زیان رژیم حاکم نچرخیده و سرنیزه هنوز می تواند به حاکمیت خود ادامه دهد، حرکت های خارج از کشور نتوانسته اند تغییری اساسی در وضعیت داخلی به وجود آورند. همچنین هیچ يك از این جنبش های مقاومت و اعتراضی قادر نبوده اند دولت های خارجی را به ترك حمایت از رژیم حاکم و قطع روابط اقتصادی وادارند. بنا بر این انتظار برخی مخالفان به اینکه مثلاً دول اروپایی روابط سودآور اقتصادی خود را با رژیم ایران قطع کنند و یا در «دفاع از حقوق بشر» از منافع خویش چشم بپوشند امری غیر قابل تحقق است. انتقاد و گلهء اپوزیسیون های مختلف از دول اروپایی و آمریکایی که چرا مصالح خود را بر شعارهای «حقوق بشری» مقدم می دارند تنها دیرپایی توهم مخالفان را نشان می دهد. بارها شاهد بوده ایم که دولت های بزرگ غربی حتی از محاصره اقتصادی سخن گفته و گاه

تهدید خود را (مثلاً در مورد آفریقای جنوبی قبل از ماندلا، عراق، یوگسلاوی و برخی جاهای دیگر) عملی کرده اند ولی تا زمانی که وضع در داخل کشور استقرار خود را حفظ کرده حتی محاصره و بایکوت کاری از پیش نبرده است، بلکه آن رژیم ها را مدت ها پابرجاتر نموده و اوضاع را بر مردم دشوارتر ساخته است. همین توهم بود که دو سه سال پیش، زمانی که کلینتون از امکان محاصره اقتصادی ایران سخن گفت برخی را در اپوزیسیون خارج کشور بر آن داشت که با لحنی موافق از این اقدام آمریکا استقبال کنند بر این پندار که «ما سال ها خواستار فشار اقتصادی بر ایران بوده ایم و حالا که آمریکا می گوید چنین خواهد کرد، نمی توانیم آن را رد کنیم». اما دیدیم که این امر عملی نشد و تازه اگر می شد چه بسا وضع برای مردم بدتر می گشت. هم بر فقر عمومی می افزود و هم دست رژیم را برای تبلیغات به نفع خویش بازتر می گذاشت و به انگیزه خطر خارجی و «حفظ حکومت و هویت ملی و اسلامی» باز هم بر سرکوب می افزود، تا خود را بیش تر تثبیت کند و این ها اگر به مصلحت آمریکا بود از انجام آن هیچ ابائی نداشت. نمونه رژیم صدام و محاصره کامل اقتصادی و نظامی آن و تصمیم آمریکا به حمایت از اپوزیسیون و توزیع میلیون ها دلار بین آنان پیش چشم همگان است؛ محاصره ای که دودش بیش از هرکس دیگر به چشم توده های زحمتکش و فقیر این کشور رفته است. نمونه دیگر تقویت وسیع بنیادگرایی در افغانستان جهت مبارزه با نفوذ شوروی ست که «سیا» از کشورهای متعدد مزدور استخدام کرد و حالا که مأموریت شان در افغانستان تمام شده مایه سرایت جهل و کشتار در الجزایر و جاهای دیگر هستند. امروز همه می دانند که مهمترین پشتیبان بنیادگرایی در الجزایر، تونس، مصر و ... آمریکا و انگلیس اند.

باری، انتظار نابجا از اقدامات اعتراضی و تأثیر آن ها ناشی از توهم مخالفان به رژیم های غربی نیز هست. تو گویی «دفاع از حقوق بشر» و «برقراری دموکراسی» در کشورهای تحت سلطه، خارج از مصالح اقتصادی و سیاسی و نظامی قدرت های بزرگ معنایی می دهد. همین چندی پیش، برخی از مخالفان ایرانی از دولت آلمان انتقاد کردند که چرا بنیاد هاینریش بل را که بنیادی فرهنگی ست در راه تحکیم روابط سیاسی و اقتصادی خود با ایران به کار گرفته است!

تجارب گوناگون اشغال و کودتا و انواع توطئه ها که هرکدام پس از ۳۰ یا ۵۰ سال گهگاه از سوی «سیا» و «انتلیجنت سرویس» و انواع دستگاه های

جاسوسی و امنیتی دول بزرگ از پرده بیرون می افتد و اعترافاتی که از سوی دست اندرکاران توطئه ها در خاطرات و مصاحبه هاشان به عمل می آید نشان می دهد که آنچه برای قدرت های امپریالیستی معنائی ندارد حق حاکمیت ملت های تحت سلطه است. انواع سیاست های «یک بام و دو هوا» که هر روز نمونه های آن را در قبال کشورهای گوناگون شاهدیم ثابت می کند که دموکراسی و حقوق بشر تا آنجا که مصرف داخلی برای خود آنان دارد و تا آنجا که نه تنها به منافعشان لطمه ای نمی زند بلکه آن را تقویت می کند به عنوان وسیله ای تبلیغاتی بر زبان می رانند و در واقعیت امر هیچ جایی در سیاست سلطه طلبانه و جهانخوارانه آنان ندارد. تنها توجه به اقدامات آمریکا («پرچمدار حقوق بشر») در آمریکای لاتین، در بلوک شرق، در افغانستان، در عراق، در فلسطین و حمله ناتو به یوگسلاوی و غیره کافی ست که میزان پایبندی آن به حقوق بشر را بر همگان آشکار سازد. مقالات نوآم چامسکی که طی سال های گذشته به نحو احسن به افشای سیاست امپریالیستی آمریکا پرداخته در این باره بسیار روشنگر است.

۲- تأثیر مثبت اعتراضات

تا کنون از محدودیت اعتراضات سخن گفتیم، اما اعتراضات مخالفان را در خارج از کشور به هیچ رو نباید دست کم گرفت و آن ها را بی تأثیر تصور کرد. این اقدامات اگر ادامه و مکمل حرکت مبارزاتی توده و وسیع داخل کشور باشد، اگر از محدوده ای که آنان مبارزات خود را در زیر تیغ سانسور و زندان و شکنجه و صدها مشکل روزمره به پیش می برند فراتر رود و اگر آنچه را که در داخل نمی تواند بر زبان آید علنی کند و بر رژیم فشار وارد آورد، قدرت مبارزاتی مردم و تأثیر آن را دوچندان خواهد کرد. وقتی فریاد مخالفان در خارج کشور بازتاب شعارها و فریادهای به خون نشسته داخل کشور باشد، نخستین تأثیر آن جرأت بخشیدن هرچه بیشتر به جنبش داخل است. درست مانند حمایتی که از زندانیان اعتصابی به عمل می آید و به آنان «توان و روح می بخشد».

با چنین روش و سیاستی ست که داخل و خارج کشور حکم ظروف مرتبطه را می یابند و هرچه در یک سو کم و کاست باشد، از جنبه نظری و عملی و ... از سوی دیگر جبران خواهد شد و همچون یک کل تفکیک ناپذیر عمل خواهد کرد. وقتی در خارج کشور با الهام از حرکت داخل ابعاد مبارزه مردم در سطح جهان مطرح شود و رژیم نتواند صداها را خفه کند و طنین حرکت های خارج کشور با استفاده

از رسانه های گروهی و وسائل ارتباطی گوناگون و مدرن به داخل کشور منتقل شود، در مبارزه جاری داخل کشور جان تازه ای می دمدم و مردم را در مبارزه عینی و حیاتی شان جری تر می سازد تا آنطور که خود صلاح می دانند و خرد جمعی شان تشخیص می دهد حساب خود را با رژیم يك سره کنند. در جریان مبارزات مردم آفریقای جنوبی با تبعیض نژادی، در مبارزات مردم فلسطین و نیز چنانکه عموماً به یاد داریم در مبارزه با رژیم شاه و سقوط سلطنت همین ساز و کار داخلی (همراه با حمایت نیروهای خارج کشور) به خوبی عمل کرد.

کوتاه سخن آنکه فعالیت اعتراضی در خارج کشور از سوی تبعیدیان امری بسیار لازم و برای تقویت جنبش داخل کشور بسیار سودمند است به شرط آنکه محدوده آن را بدانیم، نسبت به دولت های بزرگ اروپا و آمریکا و ادعای آزادی خواهی و دموکرات منشی آنان توهمی نداشته باشیم و در عین حال، با آگاهی از واقعیت اوضاع که دائم در تغییر است و موازنه قوا در عرصه مبارزه توده ها با رژیم از يك طرف و موازنه قوا در عرصه بین المللی از طرف دیگر، به اقداماتی پردازیم که جنبش داخل در دسترس ندارد و تأمین آن در خارج کشور امکان پذیر است، یعنی افشاگری در مجامع بین المللی و گسترش اطلاعات و ارتباطات و کمک های تئوریک و انتقال تجارب جهانی به ملتی که باید در عین آفریدن تجربه خاص خویش در امر رهایی، از ذخیره تجارب پیشرو جهانی نیز برخوردار باشد.

(سپیدار ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۰).